

کیمیسان



حکایت اهل راز

توجه امام حسین(ع) به شهید مطهری

همسر شهید مطهری می گوید: روزی در آخرین سال عمر استاد، حوالی عصر بود که تلفن زنگ زد. دیدم شهید مطهری در تلفن با حالت خاصی(به طرف مقابل) می گوید من اصلا لیاقت ندارم و قابل نیستم. پس از تلفن، ایشان بسیار خوشحال و عمیقاً هم در فکر بود.

متوجه شدیم مرحوم علامه طباطبایی زنگ زده بودند. هر چه پرسیدیم جریان چیست ایشان چیزی نگفتند. به شوخی و جدی گفتم اگر نگوید خودم الان به علامه زنگ می‌زنم! نهایتاً ایشان چنین گفتند: علامه فرمودند:

دیشب امام حسین(ع) را در خواب دیدم. از حضرت، حال شما(شهید مطهری) را پرسیدم و عرض کردم: حال آقای مطهری چطور است؟

امام حسین(ع) در جواب سه بار فرمودند:

آقای مطهری از دوستان ماست.

شهید مطهری اضافه کردند که البته علامه در بیداری هم از این قبیل

امور می بینند و مکاشفات زیادی دارند.

✽ کاتال تلگرافی بنیاد شهید مطهری

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

ضمان پزشک پس از اثبات مضرات دارو
(س) در صورت اثبات علمی عوارض و مضرات یک دارو و کنار گذاشته‌شدن آن توسط مراجع علمی ذی‌صلاح؛ آیا پزشکسانی که سال‌ها آن را برای بیماران خود تجویز می‌کرده‌اند، ضامنند؟
(اگر بیمار خود به پزشک مراجعه کرده و به خواست خود، عملیات درمان را به رو سپرده است و از طرف دیگر پزشک هم از روش‌های متعارف و داروهای متداول استفاده کرده باشد، ضامن نیست.

خرید و فروش طلای مردانه

(س) خرید و فروش طلای مردانه به نیت ذوب‌کردن و ساخت زیورآلات زنانه چه حکمی دارد؟
(ج) ساخت طلای مردانه و فروش آن حرام است؛ ولی خرید آن جهت ذوب‌کردن اشکالی ندارد.

خرید و فروش عینک و ساعت طلا برای استفاده مردان

(س) آیا خرید و فروش عینک و ساعت طلا برای استفاده مردان، جایز است؟
(ج) بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مرد حرام است و نماز خواندن با آن بنابر احتیاط واجب باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا نیز خوداری شود.

استفاده از پوشش آب‌طلا

(س) بعضاً برای جلوگیری از سیاه‌شدن بند یا قاب ساعت‌های طلایی رنگ، از پوشش آب‌طلا استفاده می‌شود. استفاده از این ساعت‌ها برای مردان چه حکمی دارد؟
(ج) اشکال ندارد.

خورشید و ماه‌گرفتگی جزئی

(س) اگر خسوف یا کسوف، آن‌قدر جزئی بوده که تنها با چشم مسلح، قابل رؤیت باشد؛ آیا در این صورت هم نماز آیات واجب می‌شود؟
(ج) بنابر احتیاط واجب نماز آیات خوانده شود.

فروش طلا به زنان بدحجاب

(س) آیا طلا فروش می‌تواند طلا و جواهرات را به زنانی بفروشد که می‌دانند آن را از نامحرم نمی‌پوشانند؟
(ج) در فرض مرقوم در صورتی که عرفاً کمک به انجام گناه محسوب نشود و وظیفه نهی از منکر نباشد، اگر فروش به قصد منفعت حلال باشد، اشکال ندارد.

خرید و فروش خلخال

(س) زنان به خاطر زینت، زنجیری به پای خود می‌بندند که خلخال نامیده می‌شود، خرید و فروش آنچه حکمی دارد؟
(ج) خریسد و فروش زیورآلات زنانه از قبیل خلخال و چیزهای دیگر اشکال ندارد ولی خانم‌ها هنگام استفاده باید از نشان دادن زینت خود به دیگران اجتناب کنند.

حکم استفاده از ژلاتین حیوانی

(س) آیا استفاده از ژلاتین حیوانی جایز است؟
(ج) حلال یا حرام‌بودن ژلاتین بستگی به موادی دارد که از آن تهیه می‌شود. اگر از استخوان حیوان حلال‌گوشت که ذبح شرعی نشده تهیه شود، چنانچه ظاهر استخوان را قبل از تبدیل به ژلاتین تطهیر کنند، پاک و حلال است. اما ژلاتین تهیه شده از پوست حیوان حلال‌گوشت که ذبح شرعی نشده یا از اجزای حیوان حرام‌گوشت، حرام است. در هر حال اگر ندانید ژلاتینی که می‌خواهید مصرف کنید از قسم حلال است یا حرام، خوردن آن اشکال ندارد.

اسلام فقط تسلیم نیست عصیان هم هست

قرآن می‌فرماید: ﴿لَا تَكُونُوا فِي دِينِكُمْ قَدِّ تَتَّبِعُوا الرَّسْلَ مِنْ الْفَقْ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوْتِ وَيُؤْمِنُ بِاللّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ﴾ (بقره/۲۵۶). نمی‌گوید «مَنْ يُوْمِنُ بِاللّهِ» هر کسی که خدا را یمن یبپاورد، بلکه این ایمان به خدا را ملازم می‌داند با کفر به طاغوت. آن اثبات را ملازم با این نفی می‌شمارد: «مَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوْتِ وَيُؤْمِنُ بِاللّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ».

اسلام تسلیم و طاعت محض نیست، عصیان هم هست. اما عصیان نسبت به چه چیز؟ عصیان نسبت به هواها، طاغوت‌ها و معبودهای غیر خدا. ایمان محض نیست، کفر هم هست؛ به تعبیر خود قرآن کفر به طاغوت...

اسلام تسلیم و طاعت محض نیست، عصیان هم هست. اما عصیان نسبت به چه چیز؟ عصیان نسبت به هواها، طاغوت‌ها و معبودهای غیرخدا. ایمان محض نیست، کفر هم هست؛ به تعبیر خود قرآن کفر به طاغوت... انسان به ایمان اسلامی نمی‌رسد تا آن کفرها را طی نکند؛ پیوندش با خدای متعال محکم و برقرار نمی‌شود مگر آنکه پیوندهای دیگر را ببرد و قطع کند. بندگی خدا جز با آزادی از غیرخدا میسر نیست. اصلا بندگی خدا مقرون به آزادی است. گفت: نشوی بنده تا نگردی / تن آزاد کن تا بتوان بنده خدا شد. اول باید پیوندهای دیگر را ببرد تا بتواند پیوند با خدای متعال را مستحکم کرد. اول باید کفر به طاغوت و ورزید تا زمینه برای ایمان به خدا فراهم بشود. این است که می‌فرماید: «وَمَنْ تَابَ وَاصْلَحَ» اول باید توبه کرد تا موفق به اصلاح در مرحله بعد شد.

✽ استاد مطهری، انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ، صص ۲۲-۲۳

شب هر چند که فاصله زمانی از غروب خورشید تا طلوع فجر آن است، اما از نظر آموزه‌های قرآن، این فاصله زمانی دارای شگفتی‌هایی برای تکامل آدمی است تا جایی که مثلاً تهجد و شب زنده‌داری به قصد «احیاء» به معنای سوارشدن بر اسب رهور شب همانند سوار شدن «براق» است که به سرعت شگفت انگیز «برق»، انسان را در عوالم هستی بالا می‌برد و به مقام قرب در «صدرالمرتبهی» می‌رساند.

امام حسن عسکری(ع) درباره این ارزش‌ها و شگفتی‌های عظیم شب می‌فرماید: اِنَّ الْوُصُوْلَ اِلَى اللهِ غَزُوْلٌ سَفَرٌ لَا يَذْكُرُ اِلَّا بِامْتِئَاءِ اللَّيْلِ، رسیدن به خداوند عز و جل سفری است که جز با نشستن بر مرکب شب، پیموده نشود.(بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۸۰، حدیث ۴)

هر چند که هر شبی از ارزش بسیاری برخوردار است که قرآن فرمان «تهجد» شبانه را برای دستیابی به تکامل صادر می‌کند، با این همه لحظات شب یکسان نیست؛ چنان‌که «سحر» بسیار ارزشمندتر از دیگر لحظات شب است؛ همچنین شب‌ها نیز یکسان نیستند و تفاوت‌های بسیاری با هم دارند، به طوری که شب‌های جمعه و نیز «لیله‌القدر» به عنوان «شبِ معادل هزار ماه» و معادل با یک عمر هشتاد و چهار ساله آدمی چنان در تکامل انسان تاثیرگذار است که اگر کسی تنها یک شب قدر را درک کند، «یک شبه ره صدساله را می‌پیماید».

امام حسن عسکری(ع) درباره ارزش‌ها و شگفتی‌های عظیم شب می‌فرماید: رسیدن به خداوند عز و جل سفری است که جز با نشستن بر مرکب شب، پیموده نشود.

تحولات ظاهری و باطنی شب و آثار آن
شب دارای تحولات ظاهری و باطنی است که خدا حتی به ظاهر آن مانند آغاز و انجام آن یعنی فلق و شفق سوگند خورده است.(انشقاق، آیه ۱۶؛ تکویر، آیه ۱۷)
خدا شرایط شبانه‌روز را چنان آفریده تا مردم در روز دریاپل روزی مقدار خویش برونند و در شب به استراحت بپردازند؛ چنین شرایطی با فرورفتن شب در روز و روز در شب انجام می‌شود.(زمر، آیه ۵)
وقتی شب اندک اندک بر روز مسلط می‌شود، انسان در ظلمات آن قرار می‌گیرد(پس، آیه ۳۷) و مخفی و نهان می‌شود(اردع، آیه ۱۰)، اما این شرایط همان‌گونه که ترس‌آور است و انسان می‌بایست از شرور مخلوقات الهی به خدا پناه ببرد(فلق، آیات ۱ و ۲)، باید از ظلمات و شرور شب نیز به خدا پناه برد(فلق، آیات ۱ و ۳)؛ زیرا ظلمات اصولاً یکی از مخلوقات الهی همانند نور است که به اراده خدا ایجاد و انشاء می‌شود.(انعام، آیه ۱) همین ظلمات، ترس‌آور، بلکه زشت و بد است تا جایی که ظلمت سیاهی چهره زشت‌کاران در قیامت را چون ظلمت تاریکی شب دانسته است.(یونس، آیه ۲۷)

اصولاً شب به سبب بستر ظلمانی و نهانتاری، بهترین زمان برای توطئه‌های شبانه دشمنان و شرور شیاطین جنی و انسی است(فلق، آیات ۱ تا ۳)، چنان‌که شرور مستکبران و منافقان در محافل مخفیانه شبانه علیه پیامبران و مسلمانان توطئه می‌کردند(نمل، آیات ۲۸ و ۲۹؛ ساء، آیات ۸۱ و ۱۰۸) و مرفهان مستکبر یا شب‌نشینِ باطل و باوه‌گویی و باوسه‌رایی و بدگویی قرآن و پیامبر(ص) تلاشی می‌کردند تا حقیقت قرآن و ایمان را خاموش کنند.(مؤمنون، آیات ۶۴ تا ۶۷) در حالی که انسان‌ها در شب در زمین به استراحت مشغول هستند و آرامش بر محیط زمین حاکم است، در آسمان، جنگی عظیم میان فرشتگان و شیاطین جنی برقرار است تا شیاطین را با شهاب ثاقب از استراق سمع و دزدی مقدرات

شبهه: آیا این ادعا درست است که «اگر کسی با پدر و مادرش بدرفتاری کند، به منظور کفاره گناه و مجازاتش در دنیا، طوری مقدر می‌شود که فرزندش نیز با او همین بدرفتاری را داشته باشد»؟ اگر این درست باشد، لزماً‌عاش این است که بدرفتاری کسی با والدینش، کل نسل او را به تباهی بفرستد چرا که بدرفتاری او با والدینش، مستلزم بدرفتاری فرزندان او با خود او است؛ و بدرفتاری فرزندان او نیز مستلزم بدرفتاری نوه‌های او با والدین خودشان است و... بنابراین، کل نسل آن را به بدرفتاری و تباهی مبتلا می‌شود! آیا این ادعا درست است؟

در جست‌وجوهای روایی هیچ حدیث معتبری نیافتیم که صراحتاً بیان کند «بدرفتاری با والدین، موجب تکرار همان رفتار توسط فرزندان می‌شود.» آنچه در برخی روایات آمده، ناظر به رنج‌های والدین است که سبب پوشاندن و بخشش گناهان آنها می‌شود.

پاسخ: در آموزه‌های اسلامی، احترام به والدین جایگاهی رفیع دارد تا آنجا که قرآن‌کریم پس از امر به پرستش خدا، باافلاصله بر نیکی به پدر و مادر تأکید می‌کند: «پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستیدی و به پدر و مادر نیکی کنی‌دا هرگاه یکی از آن دو، یا هر دو آنها، نزد تو به سنن پیری رسید، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و مستحیده و بزرگوارانه به آنها بگو»^(۱) اما در میان مردم، این گزاره رواج یافته است که: «هر گناهی کفاره دارد» و اگر کسی به والدین خود بی‌احترامی کند، فرزندانش نیز با او چنین خواهند کرد. از این نظر، این پرسشی مطرح می‌شود: آیا این رخداد تکرار‌شونده، ظلم به نسل‌های آینده نیست؟ آیا چنین ساختاری با عدل الهی سازگار است؟ در ادامه، این انگاره را بر اساس مبانی دینی واکاوی می‌کنیم.

نکته اول: آثار بدرفتاری با والدین
بی‌تردید، نافرمانی از والدین از گناهان کبیره

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

شب‌های چهل‌گانه به ویژه ده‌گانه‌ای که بدان افزوده شده و گویا همان شب‌های نخست دهه اول ذی‌حجه است، از مهم‌ترین زمان‌های شب در طول سال است که ارزشی ویژه برای تکامل معنوی و روحی و روانی انسان دارد.

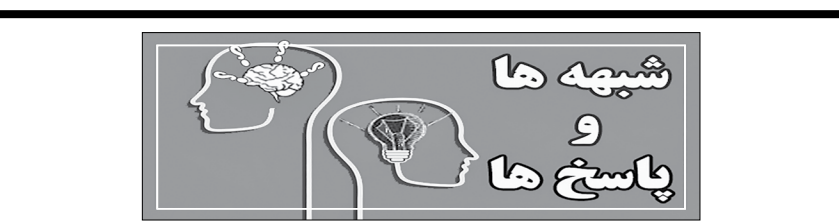
روزانه باز دارند و اجازه دسترسی به آنان را ندهند(صافات، آیات ۶ تا ۱۰؛ حجر، آیات ۱۶ تا ۱۸؛ جن، آیات ۶ تا ۱۰) و بانگ سهمگین «طارق» در آسمان شب، دشمنان از جمله شیاطین جنی سارق را فراری می‌دهد.(طارق، آیات ۱ تا ۳) بر اساس آیات قرآن و روایات تفسیری، برخی از حرکت‌های جنگی پیامبر(ص) شبانه و زمان حمله، بامدادان بود.(عادیات، آیات ۱ تا ۵؛ مجمع

نقش شگفتی‌های شب در رشد انسان

حسن خداینده



البیان، ج ۹- ۱۰، ص ۸۰۴) ولی مهم‌تر آنکه زمان جنگ امیرمؤمنان علی(ع) علیه جنیان همان شب است.(کتاب علی(ع) والمناقب، آیات ۱۶۱ تا ۱۷۱) به هر حال، شب، زمانی است که در آن بستر توطئه و حملات شبانه و مخفیانه فراهم‌تر است، از همین‌رو خدا همه انسان‌ها(انبیاء، آیه ۲۲) به ویژه مؤمنان را در حفاظت از خویش می‌گیرد تا از شب و شرور آن آسیب نبینند.(فلق، آیات ۱ تا ۳) البته از نظر قرآن، شب با همه ظلمات بلکه سرکش‌ی ظاهری و وحشت‌زای آن، رام و مسخر انسان قرار داده شده است تا انسان‌ها از آن برای امور کمالی خویش و بازیابی توان و قدرت از دست رفته در سایه استراحت و کسب معنویات از دست رفته در طول روز بهره گیرند و از این نعمت عظیم استفاده کنند.(ابراهیم، آیه ۳۲؛ نحل، آیه ۱۲) از نظر قرآن، شب بهترین زمان برای ذکر الله و تبتل و مناجات(مزمّل، آیات ۷ و ۸)، دعا و تضرع(انعام، آیه ۵۲؛ اعراف، آیه ۲۰۵)، تسبیح(مریم، آیه ۱۱، احزاب، آیه ۴۲)، تحمید(طه، آیه ۱۳۰؛ روم، آیه ۱۸؛ غافر، آیه ۵۵)، اوقات نمازهای مستسحب مؤدک چون نماز شب(فرد، آیه ۱۱۴؛ اسراء، آیه ۷۸؛ سجده، آیه ۱۶)، قرائت مشهود قرآن(اسراء، آیه ۷۸) و اعمال دیگر عبادی برای رشد و تکامل انسان است.



آثار بی‌احترامی به والدین

محسوب می‌شود و علاوه‌بر عذاب اخروی، آثار وضعی سنگینی در دنیا دارد:
✽ سلب توفیق عبادت و بندگی خدا^(۱)
✽ جلوگیری از استنجاب دعا^(۲)
✽ محرومیت از رحمت خاص الهی^(۳)
✽ عدم قبولی نماز^(۴) و موارد دیگر.

این پیامدها نشان می‌دهد که بی‌احترامی به والدین، نه‌تنها نقض فرمان الهی است، بلکه توازن روحی و معنوی انسان را نیز برهم می‌زند.
نکته دوم: کفاره گناهان: فرزند و والدین
در جست‌وجوهای روایی، هیچ حدیث معتبری نیافتیم که صراحتاً بیان کند: «بدررفتاری با والدین، موجب تکرار همان رفتار توسط فرزندان می‌شود.» آنچه در برخی روایات آمده، ناظر به رنج‌های والدین است که سبب پوشاندن و بخشش گناهان آنها می‌شود: «إِذَا مَرَّ الصَّبِيُّ بِمَنْ كَانَتْ مَرْصَهُ كَفَّارَةً لِوَالِدَيْهِ؛ زمانی که فرزند بیمار می‌شود، بیماری‌اش کفاره والدین او است.»^(۵) بنابراین، بیماری کودک، کفاره گناهان والدین است، نه‌اینکه گناه والدین، علت بیماری کودک باشد. از این نظر، اگر فرزندی بیمار شود و سبب رنج والدین گردد، خداوند صبر والدین بر این رنج را جبران می‌کند و گناهان آنها را می‌پوشاند. بنابراین، مفاد

باید توجه داشت که فرزندان به منظور امتحان‌شدن والدین، به بلایایی مانند بیماری، اعتیاد یا تبهکاری دچار نمی‌شوند؛ بلکه آنها خودشان موقعیتی ایجاد می‌کنند که والدین در آن موقعیت امتحان می‌شوند. از این نظر، حتی خوش‌رفتاری یا ایثار و شهادت فرزندان نیز می‌تواند زمینه امتحان والدین باشد.

روایت، با جبر گرای نسلی و تکرار یک گناه، هیچ ارتباطی ندارد.
نکته سوم: کفاره گناه در دنیا و آخرت
در ادامه این بحث، باید به این نکته مهم توجه داشت که گاهی کفاره نافرمانی از والدین

د، به این سبب که در آن شب کتاب با عظمت و بزرگ قرآن به پیامبر بزرگ ما به دست فرشته بزرگ و با عظمت نازل شده است.
جمهور علما بر این عقیده‌اند که آن شب در دهه آخر ماه رمضان است.(قدر، آیات ۱ تا ۵؛ دخان، آیات ۱ تا ۵؛ و نیز نگاه کنید: الکشاف، ج ۴، ص ۷۸۰، النهایه، ابن‌اثیر، ج ۴، ص ۲۲؛ مجمع‌البیان، ج ۹- ۱۰، ص ۷۸۶)

از نظر قرآن، خدا برای هر چیزی «تقدیری» (اندازه ای) دارد که برای شب نیز این‌گونه است؛ یعنی همان گونه که ماه و خورشید و ستارگان و هر آفریده دیگری دارای تقدیری است، همچنین تقدیری برای شب است که بر اساس اندازه‌گیری دقیق الهی و حکمت‌ها و اهداف معین شده است. (انعام، آیه ۹۶؛ زمّل، آیه ۲۰)

مؤمنان تنها کسانی هستند که با تعقل و تفکر در امور هستی از جمله تقدیرات شب و روز از آنها برای رشد و بالندگی و تکامل خویش بهره می‌برند؛ زیرا می‌دانند که مثلاً زمانی را برای کار و زمانی برای استراحت و زمانی را برای عبادت‌های خاص قرار دهند؛ هر چند که با نیت خویش همه کارهایشان حتی استراحتشان رنگ و بوی عبادت دارد؛ این‌گونه است که مؤمنان با تعقل و تفکر و بهره‌گیری از تقدیرات شب و ارزش‌های لحظات آن، از فرصت تهجد و نمازهای شبانه بهره کامل را می‌برند.(مزمّل، آیه ۲۰)

قرآن به عنوان «قول ثقیل» (بسیار با ارزش و سنگین از نظر محتوای علمی) ارتباط تنگاتنگی با شب دارد؛ از همین‌رو فرمان شب زنده‌داری به پیامبر داده می‌شود تا «دو سوم، یا نصف یا یک‌سوم از شب» را بیدار باشد و به تهجد و نماز شب و قرائت قرآن بپردازد، هر چند که شب زنده‌داری در چنین زمان طولانی، سخت و رنج‌آور است. (مزمّل، آیات ۱ تا ۶ و ۲۰)

بنابراین، مؤمنان نیز اگر بخواهند با «قرآن» این «قول ثقیل» ارتباط برقرار کنند، بهترین آن همان شب به ویژه سحرگاهان و قبل از فجر است که «قرآن مشهود» می‌باشد.(همان؛ اسراء، آیه ۷۸) بی‌گمان چنین سیر و سلوکی موجب تحول و تکامل است و انسان را جزو «امه قائمه» قرار می‌دهد که قیام در شب برای کسب کمالات با تلاوت آیات الهی دارند. (همان؛ آل عمران، آیه ۱۱۳)

شب‌های ده‌گانه از جمله شب‌های ده‌گانه اوّل ذیحجه(فجر، آیات ۱ و ۲؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۴۶، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۹) که شب عید قرآن از آن جمله است؛ و شب‌های ده‌گانه عاشورای حسینی از مناسک عالی و ارزشمند است که باید مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

شب‌های چهل‌گانه به ویژه ده‌گانه‌ای که بدان افزوده شده و گویا همان شب‌های نخست دهه

هر چند که هر شبی از ارزش بسیاری برخوردار است که قرآن فرمان «تهجد» شبانه را برای دستیابی به تکامل صادر می‌کند، با این همه لحظات شب یکسان نیست؛ چنان‌که «سحر» بسیار ارزشمندتر از دیگر لحظات شب است؛ همچنین شب‌ها نیز یکسان نیستند و تفاوت‌های بسیاری با هم دارند، به طوری که شب‌های جمعه و نیز «لیله‌القدر» به عنوان «شبِی معادل هزار ماه» و معادل با یک عمر هشتاد و چهار ساله آدمی چنان در تکامل انسان تاثیرگذار است که اگر کسی تنها یک شب قدر را درک کند، «یک شبه ره صد ساله را می‌پیماید».

اول ذی حجه است، از مهم‌ترین زمان‌های شب در طول سال است (ص) بر مرگ فرزندان ابراهیم اشک می‌ریخت، به آن حضرت وارد کردند که شما سا را از گریه کردن نهی کردید اما خود شما اشک می‌ریزد؟ پیامبر ابراهیم(ع) در جواب فرمود: چشم می‌گرید، و قلب اندوهناک می‌شود، ولی چیزی را که خدا را به خشم آورد، نمی‌گویم، در جای دیگر می‌خوانیم که حضرت فرمود: «لیس هذا بکاه آن هذا راحه» این گریه (بی‌تابی) نیست، بلکه این رحمت (گریه عاطفی) است.(تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۵۲) آیا اشاره به این است که در سینه‌انسان قلب است، نه سنگ و طبیعی است که در برابر مسائل عاطفی واکنش نشان دهد، و ساده‌ترین آن جریان اشک از چشم است. عین این نیست، بلکه حسن است.

عیب آن است که انسان سختی بگوید که خدا را به خشم و غضب درآورد، بنابراین در میان این دسته آیات هیچ تعارضی به چشم نمی‌خورد، زیرا انسان کامل هم عواطف عالی دارد و هم صبری جمیل و نیکو، به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری(ره)، انسان کامل یعنی انسانی که قهرمان همه ارزش‌های انسانی است در همه میدان‌های انسانیت قهرمان است.(انسان کامل)

صبر رفتاری و رفتار فعالانه یا منفعلانه

صبر یک مفهوم و رفتار انفعالی نیست، بلکه برعکس یک رفتار کاملاً فعالانه در مواجهه با شرایط مختلف سختی و مصیبت و دشواری است. کسانی که اهل صبر نباشند، قطعاً در سختی‌ها و مصیبت‌ها دچار یأس و ناامیدی و سرخوردگی و همچنین بی‌تابی و بی‌قراری خواهند شد، و این رفتارها، رفتارهای منفعلانه است. قرآن کریم هم می‌فرماید: کسانی که به آنها مصیبت می‌رسد واکس سلبی منفعلانه از خود نشان نمی‌دهند، بلکه می‌گویند: ما از خداییم «هو الذی لا شکوٰی معه» «الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا ان الله و اننا الیه راجعون».(بقره-۱۵۶)

درباره صبر جمیل مفسران تعبیراتی مختلفی دارند. بعضی گفته‌اند: صبر جمیل، صبری است که نه بی‌تابی در آن باشد، و نه شکایت نزد مردم. بعضی دیگر گفته‌اند: «صبر جمیل آن است که برای خدا باشد». پیامبراکرم(ص) نیز در برابر این سوال که صبر جمیل چیست؟ فرمودند: «هو الذی لا شکوٰی معه» «الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا ان الله و اننا الیه راجعون»^(۱)، بعضی نیز گفته‌اند: «صبر جمیل آن است که شکایت نزد خلق در آن نباشد و از آن جمیل‌تر اینکه عرض حال خود به خلق کند و بااین عرض حال و پناه آوردن به او، حق عبودیت را انجام دهد.

به همین دلیل وقتی که فرزندان حضرت یعقوب(ع) بر آن حضرت خرده گرفتند و گفتند: این‌قدر یاد یوسف(ع) نکن! حضرت در جواب فرمودند: «من غم و اندوهم را تنها به خدا می‌گویم، به و دیگران و از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

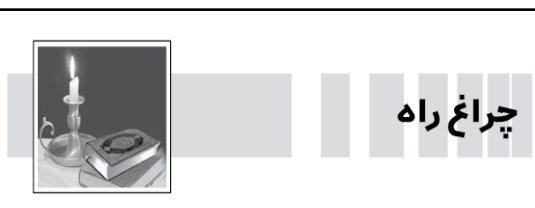
(یوسف-۸۶) (اخلاق در قرآن، آیتالله مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۳۳)

بنابراین صبر جمیل صبری است که توأم با ناسپاسی به درگاه خداوند نباشد.

صفحه ۷

شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۴

۱۳ شوال ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۳۰



چراغ راه

کلید و قفل نعمت‌ها
قال الاسماء علی(ع): «کلک نعمة مفتاح و مغلق: مفتاحها الصبر و مغلقها الکسل».
امام علی(ع) فرمود: برای تمامی نعمت‌ها کلید و قفلی مقرر شده است. پس کلید آن صبر و قفل آن تنبلی است.^(۱)

۱- شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۵



حکایت خوبان

گریه پیامبر(ص)
بر امام حسین(ع) تازه متولد شده
اسماء می‌گوید: هنگامی که امام حسین(ع) متولد شد، رسول خدا(ص) به سراغ او آمد و فرمود: ای اسماء! فرزندم را بباور، اسماء! حسین را در حالی که در پارچه سفیدی پیچیده بود به دست آن حضرت داد و ایشان در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند. آنگاه او را در آغوش گرفت و گریست، اسماء گفت: پدر و مادرم فدای تو بود، گریه برای چیست، و از چه رو می‌گری؟ حضرت فرمود: بر حال این فرزندم می‌گیرم. عرض کردم یا رسول‌الله! او هم‌کنند به دنیا آمده‌است! حضرت فرمود: متمسک‌ان او را پس از من شهید می‌کنند، خدا شفاعت مرا نصیب آنان نکرده‌اند، آنگاه فرمود: ای اسماء! این خبر را (که او را می‌کشند) به فاطمه(ص) نرسانید، زیرا او تازه فارغ گشته است.^(۱)

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶



پرسش و پاسخ

صبر جمیل حضرت یعقوب(ع)
پرسش:
خداوند در قرآن کریم از یک طرف از زبان حضرت یعقوب می‌فرماید: «اینک صبری نیکو برای من بهتر است فصربر جمیل» که حکایت از صبور بودن آن حضرت در داستان حسادت برادران حضرت یوسف(ع) دارد، اما از سویی دیگر حضرت یعقوب(ع) می‌فرماید: ای دریغ و تاسف بر یوسف(ع) و در عبارتی دیگر می‌فرماید: من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می‌برم که حکایت از اظهار جزع و بی‌تابی دارد که هیچ مناسبتی با صبر جمیل ندارد. آیا این دو سخن حضرت مومم تعارض نیست؟ پاسخ:

قلب مردان خدا کانون عواطف است. جای تعجب نیست که در فراق فرزند، اشک‌هایشان همچون سیلاب جاری شود که این یک امر عاطفی طبیعی است. مهم آن است که انسان کنترل خویشتن را از دست ندهد، یعنی سخن و حرکتی برخلاف رضای خدا نگوید و خشم خدا را برنیزنیزد و انجام ندهد.

از احادیث اسلامی استفاده می‌شود که اتفاقاً همین ایراد را هنگامی که پیامبر اکرم(ص) بر مرگ فرزندان ابراهیم اشک می‌ریخت، به آن حضرت وارد کردند که شما سا را از گریه کردن نهی کردید اما خود شما اشک می‌ریزد؟ پیامبر ابراهیم(ع) در جواب فرمود: چشم می‌گرید، و قلب اندوهناک می‌شود، ولی چیزی را که خدا را به خشم آورد، نمی‌گویم، در جای دیگر می‌خوانیم که حضرت فرمود: «لیس هذا بکاه آن هذا راحه» این گریه (بی‌تابی) نیست، بلکه این رحمت (گریه عاطفی) است.(تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۵۲) آیا اشاره به این است که در سینه‌انسان قلب است، نه سنگ و طبیعی است که در برابر مسائل عاطفی واکنش نشان دهد، و ساده‌ترین آن جریان اشک از چشم است. عین این نیست، بلکه حسن است.

صبر یک مفهوم و رفتار انفعالی نیست، بلکه برعکس یک رفتار کاملاً فعالانه در مواجهه با شرایط مختلف سختی و مصیبت و دشواری است. کسانی که اهل صبر نباشند، قطعاً در سختی‌ها و مصیبت‌ها دچار یأس و ناامیدی و سرخوردگی و همچنین بی‌تابی و بی‌قراری خواهند شد، و این رفتارها، رفتارهای منفعلانه است. قرآن کریم هم می‌فرماید: کسانی که به آنها مصیبت می‌رسد واکس سلبی منفعلانه از خود نشان نمی‌دهند، بلکه می‌گویند: ما از خداییم «هو الذی لا شکوٰی معه» «الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا ان الله و اننا الیه راجعون».(بقره-۱۵۶)

درباره صبر جمیل مفسران تعبیراتی مختلفی دارند. بعضی گفته‌اند: صبر جمیل، صبری است که نه بی‌تابی در آن باشد، و نه شکایت نزد مردم. بعضی دیگر گفته‌اند: «صبر جمیل آن است که برای خدا باشد». پیامبراکرم(ص) نیز در برابر این سوال که صبر جمیل چیست؟ فرمودند: «هو الذی لا شکوٰی معه» «الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا ان الله و اننا الیه راجعون»^(۱)، بعضی نیز گفته‌اند: «صبر جمیل آن است که شکایت نزد خلق در آن نباشد و از آن جمیل‌تر اینکه عرض حال خود به خلق کند و بااین عرض حال و پناه آوردن به او، حق عبودیت را انجام دهد.

به همین دلیل وقتی که فرزندان حضرت یعقوب(ع) بر آن حضرت خرده گرفتند و گفتند: این‌قدر یاد یوسف(ع) نکن! حضرت در جواب فرمودند: «من غم و اندوهم را تنها به خدا می‌گویم، به و دیگران و از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

(یوسف-۸۶) (اخلاق در قرآن، آیتالله مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۳۳)

بنابراین صبر جمیل صبری است که توأم با ناسپاسی به درگاه خداوند نباشد.

نمونه‌های صبر جمیل

۱- شکیبایی حضرت ایوب در برابر حوادث و نااملاطمی به اندازه‌ای زیبا و برجسته است که در فرهنگ دینی ما «صبر ایوب» عنوان نمادینی شده که زبازدِ خاص و عام است. ۲- صبر یعقوب در فراق یوسف(ع) ۳- صبر پیامبر در برابر استهزاء و تکذیب و آزار مخالفان به ویژه تحمل شرایط سخت محاصره شعب ابی‌طالب ۴- صبر امام علی(ع) به مدت ۲۵ سال برای صیانت از کیان اسلام ۵- صبر امام حسین(ع) در روز عاشورا ۶- صبر حضرت زینب(س)

۱- وحی و نبوت، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۱۸

۲- یادداشت‌های استاد مطهری(ره)، ج ۱، ص ۱۶۹